

اشاره:

«بر ما لازم است که هم احترام به آزادی و هم اعتقاد به خدا را در میان مردم غیر یهودی از بین ببریم و نیازهای مادی را جایگزین اینگونه اعتقادات سازیم.»^۱ این جملات، فقط آرمان رهبران امروز یهود برای تسخیر جهان نیست؛ بلکه با چشم‌انداز اسلاف ایشان نیز هم‌خوانی دارد. رهبرانی که همیشه تاریخ یهود را با سرکشی و نافرمانی از خداوند آمیخته‌اند و نسل فرستاده بزرگ الهی و قهرمان توحید، حضرت ابراهیم (ع) را به ورطه گمراهی و سرگشتگی گرفتار ساخته‌اند. داستان اسارت این قوم، ظهور حضرت موسی (ع)، نجات بنی‌اسرائیل، حرکت به سوی سرزمین موعود و شیوه رفتاری آنان با پیامبران الهی به‌ویژه موسی (ع) و پیامبر خاتم^ﷺ، بیشترین سهم داستان‌های قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. از این رو سزاوار است در پژوهش‌های قرآنی پیامبر اعظم^ﷺ و یهود، نخست با نگاهی گذرا به یهود و یهودیت را شناخته، سپس به بررسی کارنامه یهود در عصر نبوی پردازیم. چه این‌که سخن درباره گذشته و حال یهودیت به عنوان کهن‌ترین دین از ادیان ابراهیمی فراوان است و این رشته دراز دامن.



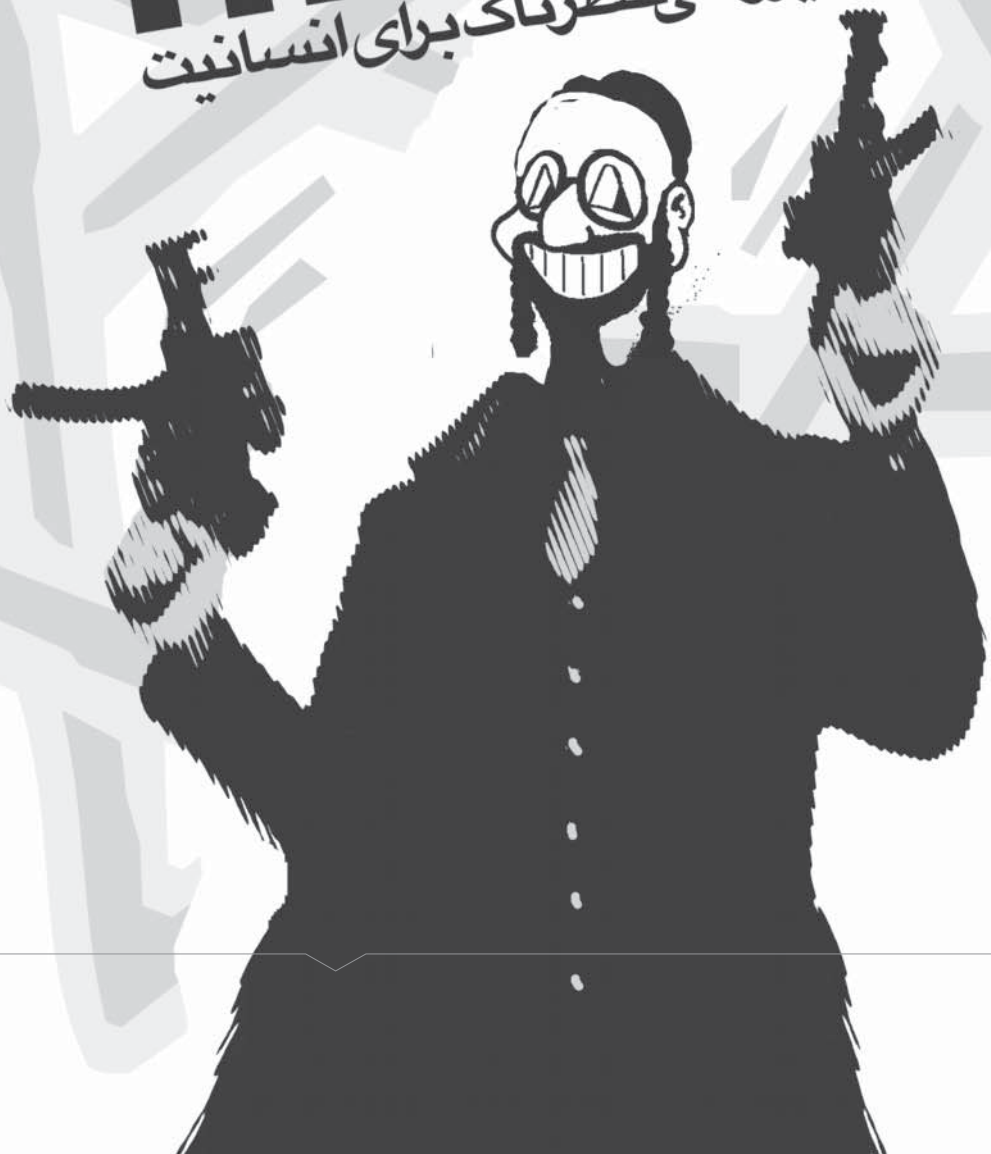
سیاسی

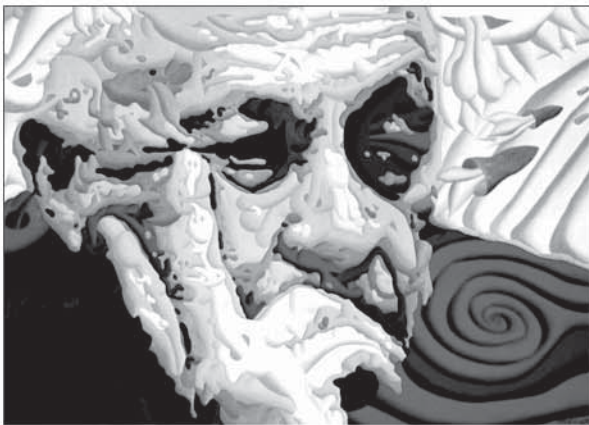
محمدمسین ظریفیان یگانه

Mhzarifian @ Gmail.com

KIPPA

ویروسی خطرناک برای انسانیت





شناخت یهودیت

یهودیت چیست و یهودی کیست؟ امروزه پاسخ به این پرسش در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. یهود را عقیده بر آن است که از تبار یعقوب (ع) هستند. پیامبری که از پدرش اسحاق (ع) به جدش ابراهیم (ع) می‌رسد و بابل زادگاه اوست. اسرائیل با دوازده فرزند خویش پا به مصر نهاده و با گذشت زمان نسل او رو به فراوانی نهاده است اما هجرت به سرزمین غربت، با اسارت و بردگی در دست فرعون‌ها همراه بوده است. تا آنکه خداوند، از فرزندان این قوم، موسی (ع) را مأمور نجات و رهایی قوم و بازگشت به سرزمین موعود و بنیان‌گذاری دیانتی خاص می‌کند. سال‌ها پس از آن، با بروز اختلاف میان اسباط دوازده گانه، سرزمین بنی‌اسرائیل به دو کشور اسرائیل در شمال و یهودا در جنوب تقسیم و دور جدیدی از اسارت فرزندان اسرائیل آغاز می‌شود. در قرن ششم قبل از میلاد، تنها دو سبط یهودا و بنیامین، شکلی منسجم دارند که از آن پس عنوان یهود برای آنان و همهٔ افراد پراکندهٔ از تبار اسرائیل و یا معتقدان به تعالیم یهود به کار رفته است.^۱

ناگفته پیداست که بازخوانی سیر تاریخی از آن رو اهمیت می‌یابد که بازشناسی یهود مدینه و بررسی و تطبیق مختصات شخصیتی آنان با گذشتهٔ این قوم و عملکرد امروز آنان می‌تواند تصویری جامع از یهودیت ترسیم کند؛ تصویری بس نفرت‌زا که دل پیروان واقعی شریعت موسی (ع) را به درد آورده و زبانشان را به شکوه گشوده است.

در این‌که یهود مدینه، اصیل و از نسل بنی‌اسرائیل بوده‌اند یا به اعراب بومی گرویده به یهود تعلق داشته‌اند، اختلاف نظر فراوان است. «یاقوت» در «معجم» آنان را از اهالی یترب می‌داند که دین یهود را پذیرفتند.^۲ و «یعقوبی» همنشینی طولانی گروهایی از اوس و خزرج با یهودیان بنی‌قریظه و خیبر را سبب گرایش اعراب به یهودیت معرفی می‌کند. در برخی از منابع اسلامی، از آگاهی یهود نسبت به ظهور پیامبر آخر الزمان در حجاز به عنوان انگیزه کوچ یهودیان یاد شده است. ابو بصیر از امام صادق (ع) روایت می‌کند: «یهودیان در کتاب‌های خود خوانده بودند که محل هجرت رسول خدا ﷺ میان دو کوه عیر و احد است.» این روایت با تأمل در آیه ۸۹ سوره بقره که می‌فرماید: «یهودیان هنگام درگیری با اعراب، وعده پیروزی خود به همراه پیامبر موعود رامی‌دادند» می‌تواند دلیل مناسبی برای علت مهاجرت یهود به آن منطقه باشد. به هر روی یهود جزیرهٔ العرب، به عنوان بخشی از جامعه پراکنده یهودیت در جغرافیای آن روز عالم، رفته رفته قدرت بیشتری یافت و در برخی مناطق چون یترب از موقعیت برتری نسبت به اطراف برخوردار شد. بنی‌قریظه با انتساب خویش به «هارون» فرزند «عمران»، بهترین زمین‌ها را تصاحب و با ساختن قلعه‌ها و دژهای مستحکم و اهتمام به تجارت، صنعت و کشاورزی، استقلال اقتصادی و سیاسی خویش را تثبیت نمودند. از نظر گاه فرهنگ نیز دست برتر همراه یهود بود چرا که آنان داشتن دین و کتاب را دستمایه تفاخر به اعراب بت‌پرست قرار داده بودند؛ امری که موجبات گرایش اعراب خزرج به پیامبر را فراهم آورد.

پیامبر اعظم ﷺ و یهود

در روزگار ما که با ظهور و زعامت سلالهٔ پاک پیامبر اکرم ﷺ و مجاهدت و پایداری مؤمنان، حکومتی با خاستگاه دینی و به پا شده از خواست اهالی اقلیم قبله، سیره و سنت رسول خدا ﷺ را الگوی خویش قرار داده است، تبیین و تحلیل عقلانی سیره حکومتی و رفتارشناسی آن حضرت در مواجهه با یهود مدینه به عنوان بخشی از مخالفان ستیزه‌جوی حکومت اسلامی، می‌تواند دستمایه عبرت و الهام برای دستیابی به مبانی رفتار سیاسی و معیاری برای بررسی قضاوت‌های حقوقی و سیاسی قرار گیرد و پرده از نسبت‌های دروغین و افسانه پردازی‌های دشمنان درباره کوچاندن یا قتل عام گروه‌های یهودی و مظلوم‌نمایی‌های کودکانه آنان کنارزند.

در نمایی کلی، روابط حاکم میان پیامبر اکرم ﷺ و یهود به دو دوره صلح و کارشکنی و ستیز تقسیم می‌گردد.

۱. دوران صلح

حکایت اسلام و پیامبر نوظهور خدا در هشتمین سال بعثت دهان به دهان اهل مدینه گشت و در سال سیزدهم با هجرت رسول خدا ﷺ قدم به آن دیار نهاد. مواجهه پیامبر اعظم با مردم مدینه با سه چالش اساسی همراه بود. نخست، دشمنی و کینه‌های دیرینه میان دو قبیله اوس و خزرج، دیگری خطر یهودیان مدینه و مسألهٔ آخر تهدید مشرکان قریش. تدبیر و دوراندیشی حکم می‌کرد که این میهمان محبوب، همدلی و وفاق را میان گروه‌های اهل مدینه استوار سازد تا بر چالش سوم غلبه یابد. از این روی آن حضرت همه همت خود را به کار بست تا به این هدف دست یابد. به گواهی تاریخ دیری نپایید که شکاف میان اوس و خزرج ترمیم شد. اما این جماعت یهود بود که با استفاده از فرصت پنج ساله میان ورود خبر اسلام به مدینه و هجرت رسول خدا به آن دیار برای تحقیق و کنکاش، نه تنها دست از کارشکنی نکشید که با اختلاف‌افکنی میان اهل مدینه و تحریک و تشویق قریشیان راه را ناهموار می‌ساخت. پیامبر رحمت در نخستین قدم با بهره‌برداری از اهمیت خاص عهد و پیمان در آن روزگار قراردادهایی را میان گروه‌های قدرتمند مدینه استوار

شارون:

ممکن است از سلاح هسته‌ای هم استفاده کنیم... من فقط به یک چیز مطمئنم؛ تا وقتی که برای زنده ماندن می‌جنگید. هر چیزی مجاز است. اگر دوست دارید، مرا به عنوان جنایتکار جنگی دار برنید... اگر دوست دارید بنویسید که من مایه شرمساری نسل بشریت هستم. برایم اهمیتی ندارد!

تخلّف از بدیعی‌ترین اصول انسانی و قوانین پذیرفته شده بین‌المللی و شکنجه و آزار زندانیان به فجیع‌ترین و زشت‌ترین شکل ممکن، در رأس برنامه‌های یهود و عالمان دنیاطلب آنان است.



پذیرفت و میان آنان قراردادی نوشته شد که یهود نباید علیه پیامبر یا یکی از یارانش به زبان، دست، اسلحه، مرکب، نه در پنهانی و نه آشکارا، نه در شب و نه در روز اقدامی انجام دهد و خداوند بر این پیمان گواه است. پس اگر یهود این تعهدات را نادیده بگیرد، رسول خدا می‌تواند خون ایشان را بریزد، زن و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را غنیمت برد. آنگاه برای هر قبیله از این یهودیان نسخه‌ای جداگانه تنظیم شد.^۵

آن حضرت در نامه‌ای که خطاب به یهودیان خبیر نوشته شد، با معرفی خویش به عنوان همتای موسی (ع)، برادر و تصدیق کننده او، به نشانه‌های نبوتش و اوصاف یارانش در تورات اشاره و این گونه فرمود: «شمارا به خدا سوگند، شما را سوگند به آنچه بر شما نازل شد، شما را سوگند به کسی که پیشینیانتان را با «من» و «سلوی» پذیرایی کرد، شما را به خدایی که دریا را برای عبور نیاکان شما باز نمود، به من بگویند آیا در آنچه خدا بر شما نازل کرده، می‌یابید که بر محمد ایمان بیاورید. اگر چه چیزی در تورات پیدا می‌کنید، اگر اکراهی بر شما نیست، «صلاّت از هدایت باز شناخته شده»، شما را به خدا و پیامبر او دعوت می‌کنم.»^۶

در قدم دوم، خداوند پیامبرش را به فراخوانی بر نقاط قوت و پرهیز از اختلافات امر نمود تا همبستگی میان ادیان میسر گردد و از شکاف و درگیری پرهیز شود. «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان من و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را جز خدای یگانه به خدایی نپذیرد. هر گاه از این دعوت سر باز زنند، بگویند گواه باشید که ما مسلمانیم.»^۷ در واکاوی علل این رویگردانی یهود، روحیه نژادپرستی این جماعت که ریشه در نخوت و حسادت آنان دارد نمودی جدی پیدا می‌کند. یهود، خود را تافته جدا بافته می‌دانند. می‌پندارد که «نژاد

ساخته، جان و مال مسلمانان را از دستبرد مخالفان در امان نگه داشت و بستری مناسب برای تبلیغ آیین نوپای اسلام فراهم آورد.

۱-۱ پیمان عمومی

این پیمان نامه که یکی از شاهکارهای پیامبر ﷺ دانسته شده است میان مهاجران و اهل مدینه بسته شد. بخشی از مفاد این پیمان نامه عمومی و مربوط به همه قبایل و گروه‌های مدینه است و بخشی دیگر به یهودیان اختصاص دارد از جمله آن که «هر یهودی که از ما پیروی کند یاری می‌شود و با دیگر مسلمانان مساوی است؛ بر او ستم نمی‌شود و دشمنش یاری نمی‌شود... و یهودیان هنگام جنگ، همراه مسلمانان هزینه جنگی می‌پردازند... یهودیان دین خود را دارند و مسلمانان دین خود را؛ اما هر که ستم کند خود و خانواده‌اش را به هلاکت خواهد انداخت.»^۸

۱-۲ پیمان اختصاصی

مرحوم طبرسی از علی بن ابراهیم قمی نقل کرده است که «یهود بنی قریظه و بنی نضیر و بنی قینقاع نزد پیامبر آمده گفتند: مردم را به چه می‌خوانی؟ فرمود به گواهی دادن به توحید و رسالت خودم. من کسی هستم که نامم را در تورات می‌یابید و علمایتان گفته‌اند از مگه ظهور می‌کنم و به این حره (مدینه) کوچ خواهم کرد... یهودیان گفتند: آنچه گفتی شنیدیم. اکنون آمده‌ایم با تو صلح کنیم که به سود یا زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یاری نکنیم و متعرض یارانت نشویم. تو هم متعرض ما و دوستانمان نشوی؛ تا ببینیم کار تو و قومت به کجا می‌انجامد. پیامبر

«آریل شارون»
می‌گوید: ما باید یک جنگ دیگر را آغاز کنیم. بیشتر و بیشتر بکشیم و نابود کنیم... چون این جنگ، ما را در جهان به اصطلاح متمدن، بسیار زشت جلوه می‌دهد بگذارید بر خود بلرزند و ما را دیوانه بخوانند. بگذارید بفهمند که ما کشوری وحشی و خطرناک برای همسایگان هستیم؛ که ما غیر عادی هستیم.

۹۰ درصد افسران و بازجویان زندان مخوف گوانتانامو، صهیونیست هستند و ۱۵ خاخام یهودی با لباس رسمی بر تن و عرق چین مخصوص عالمان یهود (کیپپا) بر سر مسئولیت نظارت بر بازجویی‌های از مسلمانان را به عهده دارند. من در طول مدت زندانی در گوانتانامو شاهد دیوانه شدن ۹۰ اسیر و خودکشی ۴۰۰ زندانی بودم که علت اصلی آن شکنجه‌های شدید به خصوص با برق و هتک حرمت بود.»

کی‌آر‌آر

عضو فعلی مرکز
مطالعات استراتژیک دانشگاه
تل آویو: «ما باید امیدوار باشیم که
اعراب حوزه خلیج [فارس]، به ویژه
امارات متحده عربی، بر ادعای مالکیت این
جزایر پافشاری کنند و ایران همان اشتباه
صدام حسین را تکرار کند و به جنگ با آنها
برخیزد؛ آن وقت همان طور که در مورد
عراق اتفاق افتاد، فرصت از بین بردن
برنامه‌های نظامی و توسعه هسته‌ای
ایران به دست خواهد آمد.»



بلوکه کردن
اموال ملت ایران و
تحریم‌های پی‌در پی آن از
بدو قدم نهادن مردمان این
دیار در مسیر عمل به تعالیم
شوکت بخش اسلام، تنها
نمونه‌ای از کار شکنی‌های
یهود است.

داد. اما این همه نه از تلاش رسول خدا برای هدایت آنان کاست
نه آتش لجاجت و کینه‌توزی آن جماعت دنیابرست را فرو
نشانند. چه آنکه جلسات بحث و مناظره میان پیامبر خدا ﷺ
و عالمان یهود خود فصل کافی از حقایق نهفته در پایداری
رسول خدا ﷺ را در خود دارد که می‌توان از آن به گام چهارم
پیامبر رحمت ﷺ برای ایفای رسالت هدایت‌گری تعبیر کرد.
حضرت محمد ﷺ به جدال احسن با گروهی مأمور شده بود که
خداوند، دشمنی آنان با اهل ایمان را شدیدتر و فراگیرتر از مشرکان
معرفی فرموده است.^{۱۱}

برتر است و دیگران برای خدمت به او آفریده
شده‌اند.

اکنون نیز فرزندان این فرقه در قالب صهیونیسم
به غضب و نابودی موطن دیگران پرداخته و با
شکنجه و قتل عام، پلیدترین چهره نژادپرستی را به
تصویری می‌کشند. هجمه سنگین سرکوب و ترور به
دست رژیم صهیونیستی در واپسین سال‌های هزاره
دوم میلادی و گذشت کمتر از یازده ماه از انتفاضه
خونین مسجد الاقصی، سبب شد تا بررسی
عملکرد اسرائیل، اولویت نخست «اجلاس جهانی
سازمان ملل علیه نژادپرستی» باشد. نمایندگان
کشورهای جهان در دوریان آفریقای جنوبی پس
از بحث فراوان، صهیونیسم را به عنوان یکی از
نمادهای نژادپرستی معرفی کردند که این تصمیم
با اعتراض و تحریم نمایندگان اسرائیل و آمریکا
روبرو شد. (۹) شگفت آنکه کمیسر حقوق بشر
سازمان ملل - مری رابینسون - که همواره وسواس
عجیبی از ضایع شدن حقوق بشر در کشورهای
شرقی به ویژه ایران از خود نشان می‌دهد، و قیحانه
جانب صهیونیسم را گرفت و در واکنش به توزیع
یک کتابچه علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل در
حاشیه کنفرانس لب به اعتراف گشود که: «من یک
یهودی متعصب هستم.»^{۱۲}

تشکیل جلسات بحث و مناظره با توهم در هم شکستن پایه‌های

اعتقادی مسلمانان و کاهش دادن محبوبیت پیامبر خدا ﷺ و سؤال‌های پی در پی درباره
چگونگی خلقت پروردگار متعال، فرزندان خدا و داستان شگفت جوانانی که در گذشته‌های
دور، قوم خود را رها نمودند و جهانگردی که به شرق و غرب عالم رسید و حقیقت روح
و کیفیت وحی و حکم رجم و بسیاری معماهای دیگر تنها پرده از چهره پلید جماعتی کنار
زد که در ابتدا دستیابی به پاسخ را شرط ایمان قرار می‌دادند و در پایان با شنیدن روشن‌ترین
پاسخ‌ها و محکم‌ترین دلایل سیل نسبت‌های ناروا و تهمت‌ها را روانه علم الهی و منطق قوی
رسول خدا ﷺ می‌کردند، حال آنکه در برابر تحدی پیامبر ﷺ به عجز آمده بودند. گویا این
سنت تاریخی یهود است که با سؤال‌های بی‌جا و خواسته‌های نامعقول از پیامبران، راه را بر
هدایت خویش ببندد. داستان گاو بنی اسرائیل و ایرادها و بهانه‌جویی‌های یهود و مطالبه انواع
خوراکی‌ها از خداوند به تفصیل در سوره بقره آمده است.^{۱۳} و آیه ۱۵۳ سوره نساء نیز از
درخواست این قوم از حضرت موسی (ع) برای نشان دادن خداوند حکایت می‌کند.

بهر برداری یهود از شگرد بهانه‌جویی به گذشته آنان اختصاص ندارد. بازسازی و
انعکاس چهره‌ای همیشه مظلوم و رنج‌دیده از یهود به عنوان دستاویزی برای پیگیری اهداف
پست خود سیاست جدی یهود سازمان یافته در طول تاریخ و به ویژه روزگار ماست. جعل
و نشر مضحک‌ترین تراژدی عصر حاضر به نام «هولوکاست» و پردازش داستانی درباره
کشتار شش میلیون یهودی به وسیله گازهای سمی و سوزاندن در کوره‌های آدم‌سوزی
نازی‌های آلمان در جنگ جهانی دوم و بزرگنمایی این دروغ مقدس مغرب زمین و تبدیل
آن به حریمی ممنوعه برای واکاوی و کنکاش اهل اندیشه و پژوهش و محاکمه و نابودی

از آنچه گذشت روشن شد که یهود با
روی برتافتن از فراخوانی پیامبر اعظم ﷺ، گزینه
پرداخت جزیه را بر انتخاب «کلمه سوء» ترجیح

هر ذهن منتقدی در این موضوع را می‌توان در راستای عزم راسخ یهود در دست‌اندازی به منافع خویش با اخاذی کردن و غرامت گرفتن از دولت آلمان برای فراهم آوردن امکان مهاجرت و وسیع یهودیان جهان به «سرزمین موعود» و زمینه‌سازی روانی برای استقرار و تثبیت دولت یهودی صهیونیست ارزیابی نمود.

۲. دوره کارشکنی

ابعاد وسیع و گونه‌های رنگارنگ کارشکنی‌های یهود را می‌توان در قلمروهای فکری و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی و نظامی بررسی کرد. هجومی که امروز همه‌جانبه‌تر و آشکارتر از هر دوره دیگری در گونه‌های پیش گفته تداوم یافته است.

۲-۱. کارشکنی در قلمرو اندیشه و فرهنگ

درخواست‌های بی‌جا و سؤالات بی‌درپی و بی‌حاصل بنی‌اسرائیل در طول دوره‌های مختلف نیز در همین باره قابل ارزیابی است. یهود

عصر نبوی نیز بر آن بود تا با استفاده از این حربه از یک سو زمینه‌های گرایش به اسلام را از بین ببرد و از دیگر سو بنیان‌های اعتقادی و فکری مسلمانان را متزلزل سازد. نسبت دادن فقر به خداوند و انکار بی‌نیاز بودن حضرت احدیت که با هدف تحقیر مسلمانان، صورت می‌پذیرفت یکی از اهداف یهود در تضعیف روحیه و ایمان اهل اسلام را تأمین می‌کرد.

یهود سرمایه‌دار با مشاهده فقر عمومی مسلمانان، زبان به تعریض می‌گشود که «اگر پروردگار مسلمانان توانگر و بی‌نیاز بود برای آنان غیرت به خرج داده و از گرسنگی نجاتشان می‌داد.»^۳ تا آنجا که آیه ۱۸۱ سوره آل عمران نازل شد و نسبت فقر به خداوند متعال را در ردیف پیغمبر کشی - که یهود سابقه فراوانی در آن دارد - قرار داد. چه اینکه این توهین بزرگ به ساحت مقدس الهی چونان کشتن پیامبر آن زمینه‌ساز انحراف و تباهی جامعه و دور شدن از صلاح و فلاح است.

از دیگر شبهه‌افکنی‌های یهود عصر نبوی ﷺ نسبت دادن تحریف به قرآن است. عالمان دنیارست یهود به تحریف تورات چه در قلمرو و لفظ و چه در گستره معنا اکتفا نمودند و با هدف ایجاد تردید نسبت به قرآن کریم، آن را برگرفته از تورات معرفی کرده، سستی و رخوت اعتقاد اهل اسلام به کتاب هدایت‌بخش آسمانی‌شان را دنبال می‌نمودند. چرا که یهود به این راز به خوبی پی برده بود که مرجعیت قرآن و عمل به آموزه‌های آن، راه را بر پیروزی و سیطره آنان سد می‌کند پس باید در حجیت و اعتبار آن خدشه نمود تا مسیر انحراف هموار گردد.

گرچه این دسیسه چیزی جز گمراهی و سرگشتگی را دام‌نگیر یهود نساخت اما اسرائیلیات یهود که پس از رحلت رسول خدا بر زبان و قلم تبار نفاق جاری شد و جعل و تحریف گسترده در معارف و مبانی اسلامی در روزگار ما نیز به شکل پیدا و پنهان دنبال میشود، گویای اهمیت و کارکرد این شیوه سخیف است. «فرقان الحق» در نوع خود جدیدترین نمونه از دسیسه‌های یهود است. این مجموعه ساختگی، متشکل از «۷۷» سوره جعلی است که با دروغ و تحریف، آمیزهای سراسر شرک و جهل از تعالیم ادیان ابراهیمی را مورد ادعا قرار داده است.

این برنامه همه‌جانبه برای عقب‌گرد جامعه اسلامی آنگاه بیشتر خود را نمایان می‌سازد که یهود صدر اسلام با طراحي و اجرای سناریوی سراسر زشتی، ارتداد مسلمانان را وجهه همت خود قرار داد. علمای از آنان با یکدیگر توافق کردند که در ابتدای روز به حضور پیامبر ﷺ رفته و ایمان آورند و در پایان روز، بر آنچه بر او نازل شده است کافر شده؛ بررسی کتاب‌ها و مشورت با علمای یهود را علت این تجدید نظر معرفی نمایند و اظهار کنند که محمد ﷺ کسی نیست که ما گمان می‌کردیم و دروغ او و نادرستی آیین او بر ما روشن شد. موفقیت این نقشه شوم می‌توانست ضربه سهمگینی بر پیکره نهال نوپای اسلام وارد آورد، چرا که با بازگشت چند تازه‌مسلمان به گذشته خویش علاوه بر ایجاد شبهه در اذهان کسانی که شیفته تعالیم اسلام شده بودند و تصمیم‌پذیرش اسلام را در

سر داشتند، قوای روحی و صلابت اندیشه مسلمانان را نیز تضعیف

می‌ساخت. به همین مناسبت آیه ۷۲ سوره آل عمران نازل شد که می‌فرماید: «گروهی از اهل کتاب گفتند به آنچه بر مسلمانان نازل شد در ابتدای روز ایمان آورید و در انتهای روز کافر شوید شاید از

ثروت‌های بی‌شمار
روچیلدها و راکفلرها به
عنوان مشهورترین خاندان‌های
زر سالار یهودی جهان، همه روزنه‌ها
را از خود انباشته است تا آن جا
که کمتر حرکت فرهنگی، سیاسی،
تجاری و نظامی در دنیا وجود دارد
که از دالان تعدید و دروغ و حيله
و رشوه آنان عبور ننماید
و به سرانجام رسد.

بازوان اختاپوس
صهیونیست آنچنان
بنگاه‌های خبری و شبکه‌های
تلویزیونی، سینما و تئاتر جهانی
و گستره وسیع ادبیات را در بر
گرفته است که اندک درنگی
در این واقعیت آدمی را به
تخیر وامی‌دارد.





آیین خود باز گردند»

ناگفته پیداست که هدف یهودیان از ارتداد مسلمانان، دعوت آنان به آیین یهود نبوده است. چرا که آیین یهودیت تبلیغ ندارد و آنان دین خویش را نعمتی الهی می دانند که به نژاد بنی اسرائیل اختصاص دارد.^{۱۳} گویا این راهبرد همیشگی یهود بوده است که آتش نگرانی خود از استقلال و عزت و اقتدار مسلمانان را با توسل به حرب‌های غدارانه فروکش کنند.

«افرایم هالوی»، رییس سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) در سخنانی در ماه مه سال جاری میلادی نگرانی خود را از قدرت گرفتن اسلام این گونه ابراز می کند: «تا اواسط قرن جاری بسیاری از شهرهای آلمان و استان‌های فراوانی از روسیه دارای ساکنانی عمدتاً مسلمان خواهند بود. در گستره جنگ جهانی سوم قرار داریم چرا که قدرت گرفتن اسلام در اروپا یکی از مهم‌ترین تهدیدات بین‌المللی است. من این برآورد خود را به گوش سازمان‌های اطلاعاتی اروپا و برخی سران روسیه رسانده‌ام، مشکل اساسی امروز جهان این است»^{۱۴}

این دغدغه که تکثر نسل به اصطلاح اصیل یهود و تقلیل نسل مسلمانان را با خود دارد دست به دسیسه‌هایی می‌بازد که عرق شرم را بر پیشانی انسانیت می‌نشانند. از جمله آنها می‌توان به نمونه‌ای که چندی پیش فاش و در بعضی از نشریات درج شده است اشاره کرد. «چندی است که نوعی کمربند چرمی مردانه در بازارهای عربی نظیر مصر، اردن، یمن، عراق و سودان رواج یافته است که کیفیت بالا و قیمت پایین موجب اقبال عمومی برای خرید آن را فراهم آورده است، اخیراً مطرح شده است که قسمت فلزی و سگک این کمربندها، حاوی نوعی آهن ریاست که امواج مترامک را ایجاد می‌کند و موجب خطرات جبران‌ناپذیری چون سرطان و نابروزی می‌شود. جالب اینجاست که رژیم صهیونیستی در لیست تولید کنندگان و صادر کنندگان این کمربندها قرار دارد. دولت عراق اعلام کرده است در قطعات فلزی این نوع کمربندها که حجم آنها از نخود فراتر نمی‌رود «اورانیوم» یافته است که نیروی مغناطیسی آن قادر به حمل و نگهداری قطعات فلزی به وزن یک کیلوگرم است»^{۱۵}

در شمار تاکتیک‌های مؤثر و پردامنه یهود در سست کردن باورهای اسلامی مسلمانان، ترویج فساد و هرزگی و فحشاء می‌باشد. چه آنکه از جمله ردای اخلاقی این به اصطلاح «قوم برگزیده خداوند»، اسارت در تمنیات جسمانی و هواهای نفسانی است. جالب این جاست که نخستین برخورد فیزیکی پیامبر خدا ﷺ با قوم یهود نیز برخاسته از تمایل آنان به شکستن مرزهای عفاف و حیا بود. یهود بنی قینقاع در ضمن پیمانی که رسول خدا ﷺ با آنها بسته بود، متعهد شدند که ناموس مسلمانان را محترم شمارند؛ در صورت تخلف از آن، پیامبر اعظم ﷺ مجاز به گزینش هر تصمیمی درباره آنهاست. هوس رانی یهودیان، این پیمان را نقض کرد و حمیت جوانی از اهل اسلام، موجب هلاکت جوان یهودی و به دنبال آن شهادت جوان مسلمان به دست دیگر یهودیان شد. پیامبر نیز براساس معاهده عمل نموده آنان را از مدینه اخراج کرد.^{۱۶}

تاریخ یهودیت، خود روایتگر روحیه شهوت‌پرستی این قوم از ابتدای پیدایش تا به امروز است. آفتی که حاصلی جز سرگشتگی و دوری از رحمت الهی را برای آنان نداشته است. سیاستگذاران امروز یهود نیز ترویج شهوت‌رانی و فساد و فحشا را در دستور کار خویش قرار داده‌اند تا از این رهگذر، ایمان و اراده ملت‌ها را تضعیف و زمینه استیلا بر آنان فراهم‌تر گردد.

امروز دیگر بسیاری از پوشش‌های گذشته سیطره یهود سازمان یافته بر ابزار رسانه - که بزرگترین و کارآمدترین موتور حرکت در عصر

ارتباطات است - فرو افتاده است. «هیچ خبری به جامعه نمی‌رسد، مگر این که ما اجازه داده باشیم؛

بنابر این، باید خبرگزاری‌هایی را که خبرهای سراسر جهان را تأمین می‌کنند، در دست بگیریم. بدین ترتیب، هیچ خبری، مگر آنچه، انتخاب کرده باشیم، مخابره نمی‌شود»^{۱۸} این فراز از پروتکل‌های رهبران یهود که به صراحت از ضرورت چیرگی آنان بر چشم و گوش و اندیشه مردمان سخن گفته است به خوبی اجرایی شده است.

اگر به جدول خبرگزاری‌ها نیم نگاهی بیندازیم نام خبرگزاری رویتر را در صدر آن می‌بینیم. جالب آنکه بنیان‌گذار این خبرگزاری یعنی جولوس پاول رویتر متولد ۱۲ ژوئیه ۱۸۱۶ در آلمان یهودی بوده و تا سال ۱۸۴۴ «اسرئیل بییر جوزافات» خوانده می‌شد. پنج

روزنامه آمریکایی که با توافق خبرگزاری آسوشیتد پرس را تأسیس کردند نیز گرایش صهیونیستی داشتند و با سرمایه جمعی از یهودیان اداره می‌شدند. بازوهای این اختاپوس آنچه‌ان همه جا را در احاطه خود گرفته است که بنگاه‌های خبر پراکنی شرق عالم و نشریات فراوانی را وابسته به خویش ساخته است. کوشش‌های اسرائیل کوهین، رییس کنگره جهانی صهیونیسم در سفر به هند در سال ۱۹۳۱، انجمن‌های پراکنده یهودی در هندوستان را گرد هم آورد و انجمن بنی اسرائیل با ۹۰۰۰ عضو را بنا نهاد. مدیریت یهودی «اینڈیا اکسپرس» و «تایمز

تاریخ یهودیت، خود

روایتگر روحیه شهوت‌پرستی این قوم از ابتدای پیدایش تا به امروز است. آفتی که حاصلی جز سرگشتگی و دوری از رحمت الهی را برای آنان نداشته است. سیاستگذاران امروز یهود نیز ترویج شهوت‌رانی و فساد و فحشا را در دستور کار خویش قرار داده‌اند تا از این رهگذر، ایمان و اراده ملت‌ها را تضعیف و زمینه استیلا بر آنان فراهم‌تر گردد.

غول رسانه‌ای

بی.بی.سی (BBC) آنچه‌ان در چنبره این جماعت گرفتار آمده است که در آوریل ۲۰۰۴ میلادی با پافشاری جامعه یهودیان انگلیس یک یهودی به نام مایکل گرید طی حکمی از سوی وزارت فرهنگ انگلیس که به تأیید ملکه انگلیس هم رسید به ریاست BBC منصوب شد.

آوآیندیا»، حضور آن شیوروزنامه نگار معروف هندی و از حامیان سرسخت صهیونیسم در نشریه «هندو»، تأسیس نشریه‌ای به نام «نامه‌های اسرائیل» در شانگهای چین و سلطه فکری و ایجاد فضای سنگین پذیرش و حمایت صهیونیسم در رسانه‌ها و مطبوعات خاورمیانه به ویژه وسایل ارتباط جمعی کشورهای عربی تنها نمونه‌هایی از نفوذ عمیق و پرمعنای یهودیت سازمان یافته در ساز و کار ارتباطات جهان است. رهبری سیاست‌های حاکمه بر جعبه جادو نیز امروز در دستان یهود گرفتار آمده است.

سه شبکه تلویزیونی ای. بی. سی (ABC)، سی. بی. اس (CBS) و ان. بی. سی (NBC) به عنوان مشهورترین شبکه‌های تلویزیونی ایالات متحده سخاوتمندانه در دستان یهود است. غول رسانه‌ای بی. بی. سی (BBC) آنچنان در چنبره این جماعت گرفتار آمده است که در آوریل ۲۰۰۴ میلادی با پافشاری جامعه یهودیان انگلیس یک یهودی به نام مایکل گریڈ طی حکمی از سوی وزارت فرهنگ انگلیس که به تأیید ملکه انگلیس هم رسید به ریاست BBC منصوب شد. وضعیت شبکه‌های تلویزیونی دیگر کشورهای غربی هم دست کمی از آنچه گفته آمد ندارد. شبکه‌های تلویزیونی فرانسه نوعاً در پخش فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی خود، رژیم صهیونیستی را مظهر مظلومیت و شجاعت و انمود کرده و تصویری زشت، عقب



افتاده و تروریست از مسلمانان و اعراب به تصویر می‌کشند. داستان این چیرگی به رسانه‌های خبری و شبکه‌های تلویزیونی پایان نمی‌یابد. استفاده یهودیت از هنر و بهره‌کشی هنرمندان از هفتمین آن، کار را به جایی رسانده که از این جماعت به «مغول سینما» تعبیر می‌شود.^{۱۹}

یهودیت سازمان یافته خیلی زود به اهمیت و تأثیرگذاری صنعت سینما در قلمروهای اندیشه و فرهنگ، سیاست و اجتماع و اقتصاد سرمایه پی برد. یهودیان با خریدن مشهورترین شرکت‌های تولید فیلم در جهان، به ویژه در ایالات متحده توانستند مهار این رسانه را در دست بگیرند. نخستین شرکت تولید فیلم در ایالات متحده «فیناگراف» است که از سال ۱۹۰۹ تولید فیلم با رویکرد صهیونیستی را در دستور کار خود قرار داده است. صهیونیست‌ها تقریباً به طور کامل شرکت‌های تولیدی هالیوود (پایتخت سینمای آمریکا) را در دست دارند؛ برای مثال مالک شرکت «فاکس قرن بیستم» و ویلیام فاکس یهودی است. شرکت «یونیورسال» در مالکیت کارل لیمل یهودی است، شرکت «برادران وارنر» متعلق به هارنی وارنر و برادران او، کمپانی «مترو گلدن مایر» در انحصار ساموئل گلدن و آدولف زوکور و لوییس بی مایر و شرکت «پارامونت» در مالکیت کنسون قرار دارد که همگی یهودی هستند.

بازوان اختاپوس صهیونیست آنچنان بنگاه‌های خبری و شبکه‌های تلویزیونی، سینما و تئاتر جهانی و گستره وسیع ادبیات را در بر گرفته است که اندک درنگی در این واقعیت آدمی را به تحیر وامی‌دارد. این همه تسلط که برای نیل به اهداف و آرمان‌های رهبران یهود فراهم آمده از ابزار هنر و رسانه بهترین استفاده را در افساد و تباهی جوامع می‌برد.

۲-۲ کارشکنی در گستره اقتصاد

روزگار زندگی در مدینه برای مهاجرانی که از هیچ گونه امکانات مالی برخوردار نبودند، کوچک‌ترین جان پناهی برای استراحت و ابزاری برای کسب معاش در اختیار نداشتند و کمک‌های اینارگونه انصار نیز کفاف زندگی آنان را نمی‌داد سخت و طاقت فرسا بود. از آن رو پیامبر خدا ﷺ بر آن شد تا با تقاضای وام از رؤسای یهود، به این مشکل خاتمه دهد. بزرگان یهود با تمسخر و زخم زبان، نماینده پیامبر را از خود راندند که این عمل بر اهل اسلام گران آمد.^{۲۰} وحی الهی نازل شد و در ضمن بیان خبر طعنه‌های آنان، به برخی از جرم‌های سنگین یهود در طول تاریخ اشاره کرد و عذاب سوزناک را به آنان وعید داد.^{۲۱}

تسلط و چیرگی حیرت‌انگیز همیشه یهود بر پول و سرمایه، در دنیای امروز به بالاترین میزان





در امانتهایی که از گذشته به آنها سپرده شده بود، بی‌شماره خطاب به مسلمانان می‌گفتند: «تعهدات ما تا زمانی الزام‌آور بود که شما مسلمان نشده بودید. ولی اسلام آوردن شما باعث ابطال این حقوق شد.»^{۲۲}

هفتاد و پنجمین آیه سوره آل عمران با بیان تفاوت میان دو گروه از اهل کتاب، نسبت به تعهدات خود، گروه پیمان‌گریز و خیانت‌پیشه را به استفاده از اجبار برای بازستاندن حقوق مسلمانان تهدید نموده می‌فرماید: «و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر دیناری امین بشماریم، آن را به تو نمی‌پردازد، مگر آنکه دائماً بر [سر] او به پایستی.»

۳-۲ کارشکنی در حوزه سیاست و امنیت

«شاس بن قیس» از ثروتمندان یهود بود، به هنگام گذر از جمعی از اوس و خزرج و مشاهده صمیمیت میان آنها رشک‌مندان جوانی یهودی را به حضور در میان آنها و تازه کردن کینه‌های جاهلیت مأمور نمود. بیان اشعار اهانت آمیز گذشته در هجو یکدیگر محفل گرم آنان را به مصاف جدل و نزاع تبدیل نمود تا آنکه خبر به رسول خدا ﷺ رسید و بلافاصله حضرتش در میان آنان حاضر و آنان را به پرهیز از بازگشت به معیارهای سخیف جاهلیت و همدلی و اتحاد به برکت نجات از کفر دعوت نمود.^{۲۳}

پیگیری این سیاست شیطانی در عصر حاضر نیز پیامدهای سنگین و شکننده‌ای را برای امت اسلامی به دنبال داشته است که فروپاشی امپراطوری عثمانی و انمود کردن تجاوز و دست‌اندازی یهودیان به مسلمانان به عنوان جنگ با اعراب و تصفیه نژاد عربی و سپس روی آوردن به غیر اعراب و تضعیف آنان و رقم زدن بزرگ‌ترین تراژدی عصر حاضر یعنی اشغال سرزمین فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی تنها نمونه‌ای از این سیاست است.

در آفریقا نیز با دخالت در رابطه کشور مصر با دیگر ممالک اسلامی آن قاره و دامن زدن به ادعای واهی امارات متحده عربی بر مالکیت جزایر سه گانه، این سناریو تعقیب می‌شود. «دانیل لشم» افسر بازنشسته واحد اطلاعات نظامی و عضو فعلی مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو با اعتراف به عجز و ناتوانی صهیونیست‌ها در براندازی نظام جمهوری اسلامی از راه هجوم نظامی، این گونه پیشنهاد می‌دهد: «باید در مورد ایران نیز شرایطی مانند آنچه در عراق پیش از حمله به کویت فراهم شده بود، به وجود آید؛ مثلاً ایران سه جزیره استراتژیک خلیج فارس را در تصرف دارد. تسلط بر این جزایر نه تنها موجب چیرگی بر تمام حوزه‌های نفتی فعال در آن منطقه است، بلکه موجب تسلط بر منابع گازی است که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. ما باید امیدوار باشیم که اعراب حوزه خلیج فارس [به ویژه امارات متحده عربی، بر ادعای مالکیت این جزایر پافشاری کنند و ایران همان اشتباه صدام حسین را تکرار کند و به جنگ با آنها برخیزد؛ آن وقت همان طور که در مورد عراق اتفاق افتاد، فرصت از بین بردن برنامه‌های نظامی و توسعه هسته‌ای ایران به دست خواهد آمد.»^{۲۴}

جالب این جاست که با اندک تأملی دست به ظاهر پنهان این جماعت رسوا در طراحی و ساخت فرقه‌های انحرافی چون وهابیت، بهابیت و صوفی‌گری نیز به وضوح دیده می‌شود. از دیگر کارشکنی‌های امنیتی یهود در همیشه تاریخ رخنه در پیکره مسلمانان و توسل به جاسوسی بوده است. در عصر حضرت رسالت ﷺ برخی از آنان با حضور در محافل مسلمانان و اطلاع یافتن

خود رسیده است به طوری که بخش قابل توجهی از سهام بزرگ‌ترین سازمان‌های تجاری، بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسات مالی در دست آنان است. ثروت‌های بی‌شمار روچیلدها و راکفلرها به عنوان مشهورترین خاندان‌های زر سالار یهودی جهان، همه روزنه‌ها را از خود انباشته است تا آن جا که کمتر حرکت فرهنگی، سیاسی، تجاری و نظامی در دنیا وجود دارد که از دلان تهدید و دروغ و حيله و رشوه آنان عبور ننماید و به سرانجام نرسد. از ابتکار و ابداع «تراست»ها برای قبضه کامل و انحصار تولید و نمایش و حمل و نقل انرژی در ایالات متحده و تأسیس شرکت عظیم «استاندارد اویل» و احراز مقام اول در صنعت نفت گرفته تا تسلط کامل بر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و استفاده از روش سخیف و البته ذاتی یهود در رباخواری - که ریشه در خصلت‌های پیشین آنان دارد و قرآن کریم نیز به آن تصریح فرموده است - و از راهاندازی صنایع پر سودی چون صنعت هواپیمایی و اسلحه‌سازی برای به مخاطره انداختن امنیت جهانی و استثمار ثروت‌های مادی و معنوی ملت‌ها گرفته تا تأسیس بنیادهای به اصطلاح خیریه چون «بنیاد خیریه راکفلر» در قسمت مرکزی، منتهن نیویورک با ۱۴ برج و یک آسمانخراش ۷۰ طبقه برای کسب شهرت و محبوبیت و فرار از مالیات، همه و همه تنها شماری اندک از بازوان گسترده اختاپوس یهود سازمان یافته را تشکیل می‌دهد. حال آنکه این ثروت هنگفت گرفتار آمده در چنگال تبار قارون تنها و تنها در راستای مطامع استکباری آنان و با نقاب صلح جهانی هر روز رو به فزونی گذاشته است.

هر کشوری برای آنکه موجودیت خود بر روی کره خاکی را تثبیت کند باید تن به قوانین به اصطلاح جهانی بدهد. قوانینی که با طراحی زر سالاران یهود تدوین شده و برای هر یک از این کنوانسیون‌ها و معاهدات، مبالغ کلانی از ثروت ملت‌ها را به عنوان حق عضویت به جیب می‌زند و درصد بالایی از آن به استقرار، تقویت و استحکام رژیم جعلی، نژادپرست و حیوان صفت صهیونیستی اختصاص می‌یابد. بلوکه کردن اموال ملت ایران و تحریم‌های پی‌در پی آن از بدو قدم نهادن مردمان این دیار در مسیر عمل به تعالیم شوکت بخش اسلام تنها نمونه‌ای از کارشکنی‌های یهود است. ناگفته نماند که این سنت همیشه یهود بوده است. جالب است بدانیم همین سیاست زشت و سخیف در زمان رسول خدا ﷺ طراحی و اجرا شد. برخی از این جماعت عهدشکن و پیمان‌گریز با پشت پا زدن به قراردادهای گذشته خویش با مسلمانان و خودداری از بازپرداخت اموالی که از مسلمانان خریده بودند و حتی خیانت

نسبت دادن فقر به خداوند و انکار بی‌نیاز بودن حضرت احدیت که با هدف تحقیر مسلمانان صورت می‌پذیرفت، یکی از اهداف یهود در تضعیف روحیه و ایمان اهل اسلام را تأمین می‌کرد.

رییس سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد): «قدرت گرفتن اسلام در اروپا یکی از مهم‌ترین تهدیدات بین‌المللی است من این بر آورد خود را به گوش سازمان‌های اطلاعاتی اروپا و برخی سران روسیه رسانده‌ام. مشکل اساسی امروز جهان این است»



سکولاریسم و همه‌گیر کردن ویای پلورالیسم از هر منفذی صدایی به ظاهر متفاوت و البته همسو با خویش را طنین افکند ایجاد سازمان‌هایی به اصطلاح جهانی و نهادهای به ظاهر مدعی حقوق ساکنان زمین و مکیدن زانو صفتانه سرمایه‌های ملت‌ها و بهره‌کشی از ابزار رسانه و تبلیغات گوش کر کن و دل سیاه کن، و در تنگنا قرار دادن جریان‌های اصول‌گرای اسلامی را می‌توان ادامه سیاست‌های شیطنی یهود عصر نبوی در سازماندهی تشکیل‌ها و اتحادیه ضد اسلامی و انسجام قبایل کوچک و بزرگ و هم‌پیمانی با جبهه نفاق آن روزگارانزیایی کرد. این تشکل‌ها در ابتدا به صورت مخفی و پس از آن، آشکارا قدم به میدان مبارزه با اسلام گذاشتند و در نبردهای مسلمانان با قریش جانب‌ت‌پرستان را گرفته و به یاری نظامی و اقتصادی آنان پرداختند. این خباثت‌ها به همین جا خاتمه نیافت و جماعتی که به صراحت کلام خداوند بدترین دشمن پیامبر و مسلمانان معرفی شده است.^{۲۵} و البته پس از ناکامی در کارشکنی‌های فکری - فرهنگی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی؛ طرح ترور پیامبر را به اجرا گذاشت.

داستان از این قرار است که پیامبر یکی از مسلمانان، پیامبر را روانه قلعه بنی‌نضیر نمود. یهودیان بنی‌نضیر نیز با استفاده از فرصت انتظار پیامبر در پشت دیوار قلعه، با هم خلوت کرده، گفتند: «شما هرگز برای کشتن این مرد چنین فرصتی پیدا نخواهید کرد، هم اکنون مردی بر بالای دیوار قلعه رود و سنگی از بالا بر سر او بیندازد و کارش را تمام کند.»^{۲۶} عمر بن جحاس اجرای این نقشه شوم را پذیرفت. اما خدای پیامبر، فرستاده‌اش را از این نیرنگ آگاه ساخت. رسول خدا ﷺ مدینه را پیش گرفت. یهود خیانت پیشه، با نگرانی در جمع خویش، لب به اعتراف گشود که به تورات قسم، محمد ﷺ از خیانت ما آگاه شد. خود را فریب ندهیم. به خدا قسم او فرستاده خداست، ما می‌خواستیم او از خاندان هارون باشد، ولی اراده خدا بر این بود و در کتاب تورات هم خواندیم که محل تولدش مکه و محل هجرتش یثرب است، آنچه از صفات او در کتاب آمده است، اندکی تفاوت ندارد.»^{۲۷}

تخلف از بدیهی‌ترین اصول انسانی و قوانین پذیرفته شده بین المللی و شکنجه و آزار زندانیان به فجیع‌ترین و زشت‌ترین شکل ممکن در رأس برنامه‌های یهود و عالمان دنیاطلب آنان است. چندی پیش یکی از اسرای ترک آزاد شده از زندان گوانتانامو به نام «ابراهیم شن» در گفت‌وگو با روزنامه «واکیت» چاپ استانبول پرده از واقعیت‌هایی کنار زد که همه خصلت‌های زشت تاریخی یهود را می‌توان در آن به یک باره مشاهده نمود. وی می‌گوید: «۹۰ درصد افسران و بازجویان زندان مخوف گوانتانامو، صهیونیست هستند و ۱۵ خاخام یهودی با لباس رسمی بر تن و عرق‌چین مخصوص عالمان یهود (کیپا) مسئولیت نظارت بر بازجویی‌ها از مسلمانان را به عهده دارند. من به دست یک فرمانده یهودی به نام «یاسف» شکنجه می‌شدم. او وقتی مرا با برق شکنجه می‌داد، می‌گفت: «بعد از عراق، سوریه و ایران، نوبت به ترکیه شما می‌رسد و زنان شما کنیزان، و مردانتان برده‌های ما خواهند شد و قبر سلطان عبد الحمید (شاه عثمانی که از دادن سرزمین فلسطین به صهیونیست امتناع کرد) را به آتش خواهیم کشید. من در طول مدت زندانی در گوانتانامو شاهد دیوانه شدن ۹۰ اسیر و خودکشی ۴۰۰ زندانی بودم که علت اصلی آن شکنجه‌های شدید به خصوص با برق و هتک حرمت بود.»^{۲۸}

۳. دوران ستیز

از آن چه گذشت روشن شد که ایمان پوشالین و باورهای خرافی برخاسته از خصلت‌های نکوهیده یهود بستر توطئه‌ها و دسیسه‌ها و کارشکنی‌های رنگارنگ را فراهم نموده تا آنکه با تعرض و هتک حرمت ناموس مسلمانان، رسول رحمت ﷺ دستور قطع رابطه با آنان را صادر فرمود و با محاصره قلعه یهود بنی‌قیقاع سزای عمل

از تصمیمات از یک سو مانع از حرکت آنان در مسیر حق می‌شدند و از سوی دیگر با انتقال اطلاعات به سران خویش به فتنه‌انگیزی و ختنی‌سازی تدابیر پیامبر ﷺ و یاران حضرتش می‌پرداختند.

آیه یکصد و هجدهم از سوره آل عمران با پرهمیز دادن مسلمانان از اعتماد بر یهود می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید. آنها از هر گونه شر و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید.»

امروزه «موساد» به عنوان چهره پیدا و سازمان

جاسوسی صهیونیسم در دنیا، تنها بخشی از توان یهود سازمان یافته را برای کارشکنی به نمایش گذاشته است. نفوذ این رژیم در بدنه بسیاری

از سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی دنیا و پیگیری منافع و مطامع خویش بستر ساز نیل به اهداف بعدی شده است که رخنه در نظام حکومتی کشورها از آن جمله است. با پیروزی انقلاب شوکت آفرین اسلامی، کشوری که کادر سازمان امنیتش آموزش دیده سرویس‌های جاسوسی اسرائیل بود و شخص اول آن بیشترین دستور و سفارش برای حفظ حقوق صهیونیست‌ها در ایران و تبادل اطلاعات را صادر می‌کرد به بزرگ‌ترین تهدید برای موجودیت معجول و کثیف این رژیم شد.

در جهان امروز که صهیونیسم می‌کوشد با جهانی کردن

«فرقان الحق» در نوع خود جدیدترین نمونه از دسیسه‌های یهود است. این مجموعه ساختگی، متشکل از «۷۷» سوره جعلی است که با دروغ و تحریف، آمیزه‌های سراسر شرک و جهل از تعالیم ادیان ابراهیمی را مورد ادعا قرار داده است.

از دیگر کارشکنی‌های امنیتی یهود در همیشه تاریخ رخنه در پیکره مسلمانان و توسل به جاسوسی بوده است.



زندان بانان گوانتانامو اکثراً یهودی هستند

ما کشوری وحشی و خطرناک برای همسایگان هستیم؛ که ما غیر عادی هستیم... شاید به سرمان بزند و تمام میدان‌های نفتی خاورمیانه را آتش بزنیم!... باید بگویم که مهم‌ترین و شیرین‌ترین میوه جنگ لبنان چیست. آنها فقط از اسرائیل متنفر نخواهند بود. به لطف ما، آنها دیگر از تمام یهودیان در پاریس، لندن، نیویورک، فرانکفورت و مونترال هم تنفر خواهند داشت... به زودی همه آنها مجبور می‌شوند به فلسطین بیایند، زیرا چاره دیگری ندارند و این همان امتیازی است که ما از جنگ لبنان به دست آوردیم. به نظرتان ارزشش را نداشت؟ به زودی ما هم روزگار خوبی خواهیم داشت. یهودی‌ها به اینجا می‌آیند، اسرائیلی‌ها دیگر مهاجرت نمی‌کنند. و مهاجران قبلی هم باز می‌گردند... اگر هر کس حتی سرش را در مقابل ما بلند کند، زمینش را پس می‌گیریم و می‌سوزانیم، حتی اگر میدان نفت باشد. حتی ممکن است از سلاح هسته‌ای هم استفاده کنیم... من فقط به یک چیز مطمئنم؛ تا وقتی که برای زنده ماندن می‌جنگید هر چیزی مجاز است. حتی اگر همه اعراب را از کرانه باختری بیرون کنید هم، کارتان مجاز بوده است... راست می‌گویند، ما یهودی نازی هستیم. چرا که نه؟... مهم نیست که مرا به دادگاه نورنبرگ ببرید یا برآیم حبس ابد ببرید. اگر دوست دارید، مرا به عنوان جنایتکار جنگی دار بزنید... اگر دوست دارید بنویسید که من مایه شرمساری نسل بشریت هستم. برآیم اهمیتی ندارد!»^{۳۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱. پروتکل‌های رهبران یهود برای تسخیر جهان، پروتکل ۴، ترجمه بهرام محسن‌پور.
۲. قاموس الکتاب المقدس، جمعی از نویسندگان، ص ۱۰۸۴.
۳. معجم البلدان، ۵۹۷۳.
۴. انساب الاشراف: ۳۴۰/۱.
۵. اعلام الوری، ۱۵۷/۱ و مکاتیب الرسول، ۱ / ۲۶۰.
۶. مجمع البیان ۷۰۶/۱ و التفسیر الکبیر ۳ / ۱۵۴.
۷. مکاتیب الرسول.
۸. سورة آل عمران، آیه ۶۴.
۹. روز شمار انتفاضه فلسطین، ۳۴۵.
۱۰. روزنامه کیهان، ۱۳۸۰ / ۶ / ۲۵، ص ۱۲.
۱۱. سورة مائده، آیه ۵.
۱۲. رک: سورة بقره، آیه ۶۱ به بعد.
۱۳. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ۱۱۹/۴.
۱۴. الجذور التاريخية العنصرية، ۱۲.
۱۵. سایت خبری بازتاب، ۱۳ / ۳ / ۸۵.
۱۶. ماهنامه صدای فلسطین اسلامی، تیر ماه ۱۳۸۰ هـ. ش، صص ۴۴ و ۴۵.
۱۷. الصحيح من سيرة النبي الاعظم ۴ / ۵۲، صص.
۱۸. پروتکل‌های رهبران یهود برای تسخیر جهان، پروتکل ۹، ترجمه بهرام محسن‌پور.
۱۹. فصل نامه وقف میراث جاویدان، ۱۰۹.
۲۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۲ / ۴۶۰.
۲۱. سورة آل عمران، آیه ۱۸۱.
۲۲. عقیف عبد الفتاح طباره، اليهود فی القرآن، ۲۷.
۲۳. جعفر سبحانی، منشور جاوید، ۲۹۹/۶.
۲۴. فصل نامه مصباح، ش ۹، بهار ۷۳، ص ۱۰۸.
۲۵. سورة مائده، آیه ۸۲.
۲۶. ابو محمد بن هشام، تاریخ ابن هشام، ۱۹۴.
۲۷. واقدی، المغازی، ۱ / ۲۶۵.
۲۸. سایت خبری بازتاب، ۴ / ۱ / ۱۳۸۵.
۲۹. سورة بقره، آیه ۱۲۰.
۳۰. این مصاحبه جنجالی بعدها منجر به اعلام اتهام جنایت جنگی علیه «شارون» شد.
۳۱. همشهری ماه، دی ۱۳۸۴.

پلیدشان را به آنان جشانید. از آن پس بود که پیمان‌شکنی‌ها پررنگ‌تر از گذشته نمایان شد و قبایل دیگر یهود بانیرنگ‌های سران خویش پیمان خود با پیامبر ﷺ را زیر پا گذاشته، اجرای سناریوی براندازی حکومت اسلامی را با جدیت و صراحت بیشتر پی گرفتند. جماعتی که به فرموده خداوند رضایت خاطر خویش را جز در استیلاي دیگران و چیرگی و دست‌اندازی بر مردمان و پیروی بی چون و چرای آنان جست و جو نمی‌کنند^{۲۹} دیگر بار روسیاه از این آزمایش بیرون آمدند و آتش خشم الهی بر دامانشان فرو افتاد. پیامبر خدا ﷺ فرمان جنگ با قبیله‌های متخلف را صادر فرمود و سرنوشت ناگواری را برای آنان رقم زد.

سوگمندان باید مرثیه تکراری امتی را که می‌توانست با تمسک به روشنائی آموزه‌های پیامبران الهی بر چکاد «قوم برگزیده» قدم بنهد و بشریت را به کمال انسانی رهنمون سازد، در عصر حاضر نیز سرود. اگر به سخنان یکی از رهبران اسرائیل که به «قصاب صبرا و شتیلا»^{۳۰} در سپتامبر ۱۹۸۲ میلادی نام گرفته، در مصاحبه با روزنامه «داور»، دقت شود^{۳۱} در خواهیم یافت که صهیونیسم چگونه در پی انهدام ارزش‌های انسانی است.

«آریل شارون» می‌گوید: «مرا هر چه دوست دارید، بخوانید. مرا جنایتکار یا شیطان بخوانید... اسرائیل را به هر نامی که دوست دارید بخوانید. آن را کشور یهودی‌های نازی بخوانید. چرا که نه؟... هر کسی را که بخواهد دستی علیه فرزندانم بلند کند نابود می‌کنم... حتی اگر با روش‌های ریاضی بخواید به من ثابت کنید که جنگ فعلی در لبنان یک جنگ کثیف و غیر اخلاقی است، من اهمیتی نخواهم داد. ما باید یک جنگ دیگر را آغاز کنیم. بیشتر و بیشتر بکشیم و نابود کنیم... چون این جنگ، ما را در جهان به اصطلاح متمدان، بسیار زشت جلوه می‌دهد... من شخصاً نمی‌خواهم از «برژنف» یا «قذافی» یا «اسد» یا خانم «تاچر» یا حتی از «هری ترومن» که با دو بمب هسته‌ای نیم میلیون ژاپنی را کشت، بهتر باشم. من فقط می‌خواهم از آنها باهوش‌تر، سریع‌تر و مؤثرتر باشم. نمی‌خواهم بهتر یا زیباتر از آنها باشم. خودتان بگویید، آیا امروز آدم بدها شرایط بدی دارند؟ اگر کسی بخواید به آنها نزدیک شود. شیطان دست و پایش را می‌برد. آنها هر چه را که بخواید شکار می‌کنند. هضم برایشان کاری ندارد و مجازاتی هم از آسمان برایشان نمی‌رسد. من می‌خواهم اسرائیل هم به همین کلوب بپیوندد. شاید بالاخره مردم دنیا هم به جای آنکه برای من متأسف باشند از من بترسند. شاید بر خود بلزند و به جای ستایش من، از دیوانگی‌ام هراس پیدا کنند. بگذارید بر خود بلزند و ما را دیوانه بخوانند. بگذارید بفهمند که